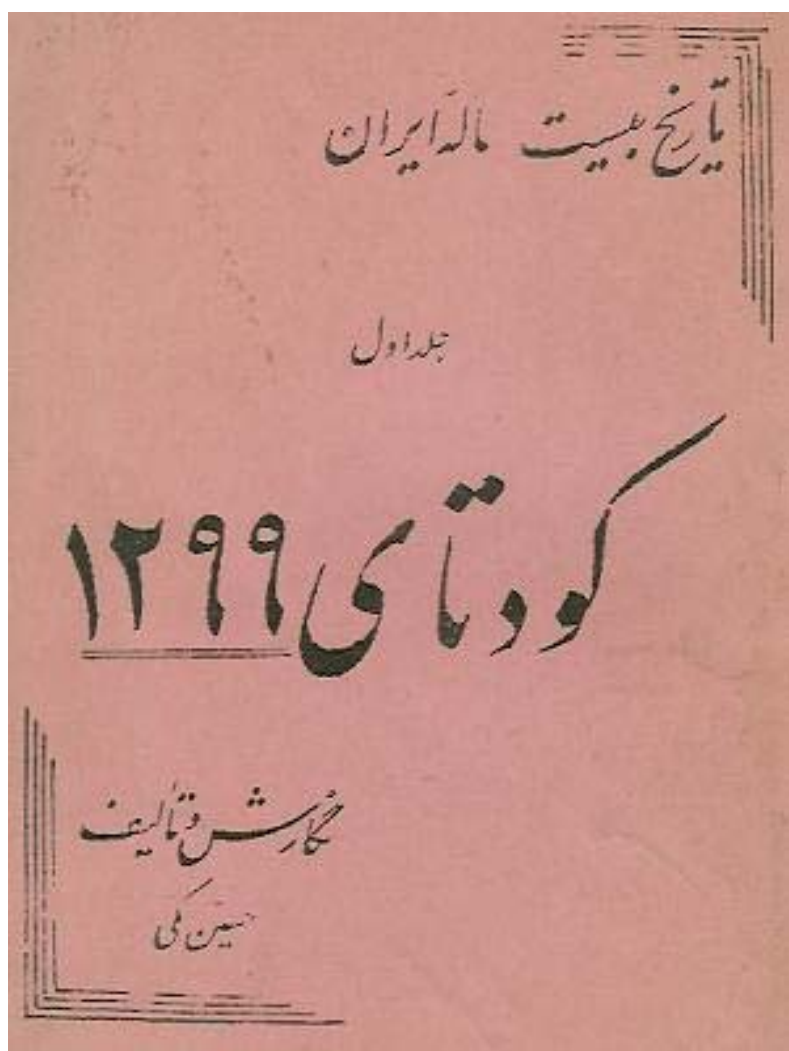


حسین مکی : جنگهای تنکابن یا خاتمهء نهضت جنگل



فهرست مطالب

موضوع	شماره
۲۰- فامزدهای کودتا	۷۷
۲۱- رفع بحران کابینه سپهدار	۸۴
۲۲- فصل دوم - کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹	۸۷
۲۳- رابطه کودتا با سیاست خارومیانه	۹۷
۲۴- حلقه فولادین در پیرامون شوروی	۹۸
۲۵- ملاقات رضاخان با آبرن سائده	۹۹
۲۶- بسمت تهران - پیش مارش	۱۰۲
۲۷- سرروشت ایران در همان خانه قزوین تعیین میشود	۱۰۶
۲۸- کودتای ۱۲۹۹ - تصرف تهران	۱۱۰
۲۹- شاه لب گزمه میکند و فرمان ریاست وزرائی سیدضیاء را صادر میکند	۱۱۴
۳۰- توقیف شدگان	۱۱۷
۳۱- اولین بیانیه رئیس الوزراء سیدضیاءالدین	۱۲۵
۳۲- انتباهات سیدضیاءالدین	۱۲۹
۳۳- مخالفت دکتر مصدق با سیدضیاءالدین	۱۳۴
۳۴- معرفی وزراء به پیش گاه شاه	۱۳۸
۳۵- انحلال وزارتخانه‌ها	۱۴۰
۳۶- امضای پیمان ایران و روسیه	۱۴۳
۳۷- قبول عضویت ایران در مجمع اتفاق ملل	۱۴۴
۳۸- تأثیر بیانیه رئیس الوزراء در مردم تهران	۱۴۷
۳۹- راجع به تصرف فیروزه و جزایر واقع در خلیج استراباد	۱۴۸
۴۰- رفتار سیدضیاءالدین نسبت به شاه	۱۵۲
۴۱- افکار سیدضیاءالدین	۱۵۳
۴۲- علت توجه شاه نسبت به سردار سپه	۱۵۴

موضوع	شماره
۱- مقدمه	۵۵۵
۲- مشیرالدوله می‌آید تا افکار عمومی را که بر اثر قرارداد بهیچان آمده بود تسکین دهد	۶
۳- معرفی کابینه مشیرالدوله	۵
۴- کابینه مشیرالدوله چه میکند؟	۷
۵- مجلس ۱۲ - آیا انتخابات و توثیق الدوله‌ای باطل است؟	۹
۶- قیام خیابانی	۱۲
۷- قیام چاکرناهیپا و تشکستانی‌ها بر علیه انگلیسها	۲۲
۸- چرا بدلتند؟	۲۴
۹- قرار داد منشأ و موجد تاریخ اخیر ایران است	۲۷
۱۰- نخستین قدم در شاهراه	۳۱
۱۱- علل سقوط کابینه مشیرالدوله	۳۳
۱۲- رنگ حساس قطع میشود!	۳۹
۱۳- سقوط کابینه مشیرالدوله	۴۱
۱۴- کابینه سپهدار - سپهدار می‌آید استاروسلسکی میرود	۴۵
۱۵- انفصال استاروسلسکی	۴۶
۱۶- نقش تجدید میشود	۵۰
۱۷- مجلس مشاوره عالی	۵۲
۱۸- روابط ایران و شوروی و قرارداد ۱۹۲۱	۶۱
۱۹- اعلام حکومت نظامی بنامه رئیس الوزراء (سپهدار) کودتا برای جلوگیری از کودتاها	۷۱

بالتبع

موضوع	شماره
۶۷- سقوط کابینه	۲۱۲
۶۸- نمونه‌ای از قضاوت نویسندگان درباره سیدضیاء و کابینه او	۲۱۶
۶۹- وقایع بعد از کودتا - تشکیل کابینه قوام السلطنه	۲۳۳
۷۰- استخلاص محبوسین	۲۳۵
۷۱- مسافرت ولیعهد	۲۳۸
۷۲- اوضاع گیلان	۲۳۹
۷۳- معرفی هیئت وزراء	۲۳۹
۷۴- اقدامات سردار سپه در کابینه جدید	۲۴۵
۷۵- وضع مالی کابینه	۲۴۶
۷۶- مقدمات افتتاح دوره چهارم تقنینیه	۲۴۷
۷۷- دورنمایی از زندگی مدرس	۲۵۳
۷۸- اقدامات کابینه قوام السلطنه	۲۶۴
۷۹- مخالفت با اعتبارنامه‌ها	۲۶۸
۸۰- جنگهای مازندران	۲۶۹
۸۱- عزاداری در تکیه قزاقخانه: مظاهر مذهبی	۲۷۱
۸۲- مساعدت با قحطی زدگان روسیه	۲۷۴
۸۳- الفاء کنترات مستشاران انگلیسی	۲۷۴
۸۴- انحلال قسمتی از پلیس جنوب	۲۷۵
۸۵- سرگذشت کلنل محمد تقیخان پسبان	۲۷۵
۸۶- مرگ کلنل بهککاری و حریف خانم داد	۳۰۳
۸۷- جلسه خصوصی تثبیت کابینه	۳۰۴
۸۸- دستگیری سید یوسف از اشرار اصفهان	۳۰۷
۸۹- نفوذ در شهر بانی	۳۰۷
۹۰- جنگهای تنکابن با خانمه نوضت جنگل	۳۰۸

موضوع	شماره
۴۳- قبول الفای قرارداد ایران و انگلستان	۱۵۶
۴۴- وضع مالی کابینه سیدضیاءالدین	۱۵۹
۴۵- دستگیری قوام السلطنه و الی خراسان و سایر الدوله‌های غرب	۱۶۱
۴۶- دستورات هیئت وزراء	۱۶۷
۴۷- قضاغات چند نفر از محبوسین	۱۶۹
۴۸- اختلاف نظر فیما بین رئیس الوزراء و سردار سپه	۱۷۱
۴۹- لندن اظهار رضایت میکند	۱۷۳
۵۰- مجلس ضیافت شب ۲۰ حمل (معروف به مجلس دوغ)	۱۷۴
۵۱- اوضاع آذربایجان	۱۸۱
۵۲- قتل خابیل طورزنی	۱۸۱
۵۳- تلگراف وزیر مختار شوروی	۱۸۲
۵۴- منع استعمال تریاک	۱۸۵
۵۵- اولین بحران کابینه سپه	۱۸۵
۵۶- ورود وزیر مختار شوروی به تهران	۱۸۸
۵۷- مردم و دولت	۱۹۰
۵۸- اقدامات کابینه سیدضیاءالدین	۱۹۳
۵۹- تغییر محل اردوی قزاق	۱۹۶
۶۰- قلع و قمع اشرار خراسان، توقیف مرسل تعقیب زبردستان	۱۹۹
۶۱- رفع بحران کابینه	۱۹۹
۶۲- شدت تیرگی روابط سیدضیاءالدین با سردار سپه	۲۰۳
۶۳- یکی از عوامل مؤثر سقوط کابینه	۲۰۴
۶۴- مظاهر اخیر علیه کابینه	۲۰۵
۶۵- اقدامات سیدضیاءالدین برای ابقاء مقام خود	۲۰۶
۶۶- اقدامات وزیر جنگ	۲۰۹

موضوع	صفحه
۹۱ - كشف كميته سري	۳۳۷
۹۲ - بازهم يك ماور	۳۴۱
۹۳ - اعتصاب معلمين مدارس	۳۴۱
۹۴ - كماك به قحطی زدگان روسيه	۳۴۲
۹۵ - تعویض امتیاز نفت شمال بكمپانی استاندارد داویل امریکائی	۳۴۴
۹۶ - اقدامات سردار سیه برای متحدالشکل کردن لباس ژاندارم و قزاق	۳۵۳
۹۷ - دومین مسافرت احمد شاه بارویا	۳۵۴
۹۸ - استعفای کابینه قوام السلطنه	۳۵۹
۹۹ - تشکیل کابینه مشیرالدوله	۳۶۰



— فصل پنجم —

۳۲ - جنگهای تنکابن یا خانقاه نهضت جنگل

هنگامیکه خطه رشت دچار ملوک الطوائفی و میرزا کوچک و دیگران در آنجا قیام کرده بودند، اوضاع تنکابن نیز خراب شده بود و بواسطه پیدایش عده ای از انقلابیون که عده آنها هم نسبتاً زیاد بود آن قسمت از ایران هم سر از اطاعت مرکز برداشته و یا فیکری را آغاز کرده بودند. در بدو تشکیل کابینه قوام السلطنه همچنین در کابینه های قبل برای برقراری امنیت و آسایش اهالی آن حدود اقدامات مؤثری بعمل می آمد ولی در کابینه قوام السلطنه اقدامات مؤثر تری بعمل آمد باین معنی که اردوئی بشنکابن اعزام داشت و در نتیجه با متمرکزین مشغول جنگ گردیدند.

قوای مسلح و انقلابیون تنکابن دارای سه رئیس متحد که عبارت از احسان الله خان ساعدالدوله پسر سپهسالار و شجاع السلطان بودند. هر يك از این سه نفر يك فرونت مخصوصی برای خود تشکیل داده بودند. شجاع السلطان که کنار دریا را داشته همینکه صدای شلیک توپ اردوی دولتی را میشنود فرار از برابر قرار ترجیح داده قوایش متواری میشوند.

اردوی انقلابیون در آن طرف رود چالوس در موقع بیرون برون روی تپه ها و جنگلهای آنبوه مواقع مستحکمی داشتند ابتدا از طرف اردوی دولتی چند نفر برای مذاکره و اتمام حجت با رؤسای آنها اعزام میشوند لیکن انقلابیون نمایندگان دولتی را محبوس کرده و روز بروز بر شرارت خود میافزودند و از هر طرف بقوای دولتی تعرض میکردند تا اینکه روز چهارم برج اسد قوهای کالیبر بزرگ و مهمات کامل برای اردوی دولتی میرسد و همان روز هم از طرف دشمن حملات شدیده بقوای دولت میشود بالاخره روزه ۱۵ برج اسد ۱۳۰۰ خورشیدی از طرف اردوی دولتی به بمباردمان مواقع و استحکامات و سنگرهای انقلابیون شروع میشود و در نتیجه تأثیر توپخانه که یاغیان فاقد آن بودند بمفاصله دو ساعت تمام استحکامات و سنگرهای آنان بتصرف قوای دولتی در می آید بقیه السیف قوای انقلابیون فرار کرده خود را بسمت قشلاق می کشانند.

و پنج به از نردن اقدامات ساعدالدوله

همینکه فرارهای عده شجاع السلطان که به قشلاق فرار کرده و وارد شهنشوار میشوند از طرف ساعدالدوله بخلع سلاح آنها مبادرت گشته پس از گرفتن اسلحه آنها را خارج مینمایند.

اقدامات احسان الله خان

احسان الله خان که قوایش را در قلعه کوه جای داده بود همینکه خبر جنگ را میشوند بغریت برای کمک متحدین خود شتافته و چون از مغلوبیت و خلع سلاح آنها مستحضر میشود برای جنگ با متحد دیگر خود یعنی ساعدالدوله عازم شهنشوار میشود. ساعدالدوله نیز هر قدر از قوای شصت تیر و تفنگ و مهمات که میتواند بوسیله دوهزار اسب حمل میکند و بطرف اردوی دولتی عقب نشینی مینماید و فوراً بوسیله سردار کبیر و اردوی دولتی بدولت اطلاع میدهد که او برادران جنگجوی وی برای اطاعت و انقیاد او امر در ذات حاضر هستند و بدین وسیله تسلیم دولتی کردند.

احسان الله خان نیز وارد شهنشوار میشود و از آنجائیکه از امکان مقاومت خود مأیوس بود دستور میدهد که تمام تجهیزات خود که عبارت از مقداری توپهای بزرگ و کوچک و گلوله های تفنگ و غیره را با حافهای کهنه بیچیده آتش بزنند میگویند صدای انفجار و احتراق آنها به (کنگا) رسیده بود. يك كرجی هم که از توپ های بزرگ و اسلحه بر کرده بود در دریا غرق میکند.

تفرقه قوای احسان الله خان

قوای متعلق با احسان الله خان در نتیجه ورود به تنکابن بکلی از هم متفرق و پراکنده میگردد باین معنی که عده ای از آنها توسط قوای ساعدالدوله خلع سلاح میشوند فقط عده معدودی در اطراف احسان الله خان باقی میمانند.

در خلال همین احوال هم ورقه چاپی بامضای کمیته شورای انقلاب در شهر رشت منتشر میگردد که مبنی بر این بود: چون احسان الله خان فضولانه و بدون دستور از رشت به تنکابن رفته لذا مشارالیه از دایره اتحاد ما خارج و ابدأ ایشان را بسمتی نمیشناسیم.

۲۲ - جنگل های تنکابن باخافه نهضت جنگل

هنگامیکه حمله رشت دچار ملوک الطوائفی و میرزا کوچک و دیگران در آغوش قیام کرده بودند، اوضاع تنکابن نیز خراب شده بود و بواسطه بیبایستی عده ای از انقلابیون که عده آنها هم نسبتاً زیاد بود آن قسمت از ایران هم سر از اطاعت مرگ بر داشته و بغیرگری را آغاز کرده بودند. در بنوعی تشکیل کابینه قوام السلطنه همچنین در کابینه های قبل برای برقراری امنیت و آسایش اهالی آن حدود اقدامات مؤثری بعمل می آمد ولی در کابینه قوام السلطنه اقدامات مؤثری بعمل آمده باین معنی که اردویی بشکلی اعزام داشت و در نتیجه با نمرودین مشغول جنگ گردیدند.

قوای مسلح و انقلابیون تنکابن دارای سه رئیس متحد که عبارت از احسان الله خان ساعدالدوله پسر سه سالار و شجاع السلطان بودند. هر يك از این سه نفر يك قزاق مخصوصی برای خود تشکیل داده بودند. شجاع السلطان که کتار دربارا داشته همیشه صدای شلیک توپ اردوی دولتی را می شنید و در باره برقرار رجوع داده قوایش متواری میشوند.

اردوی انقلابیون در آن طرف رود چالوس در موقع بیرون رشم روی تپه ها و جنگلهای انبوه مواقع مستحکمی داشتند ابتدا از طرف اردوی دولتی چند نفر برای مذاکره و اتمام حجت با رؤسای آنها اعزام میشوند لیکن انقلابیون نمایندگان دولتی را محبوس کرده و دو روز بروز بر شرارت خود می افزایند و از هر طرف بقوای دولتی تعرض میگردند تا اینکه روز چهارم برج اسد قویهای کلیر بزرگ و مهملت کامل برای اردوی دولتی می رسد و همان روز هم از طرف دشمن حملات شدید بقوای دولتی میشود بالاخره روز ۱۵ برج اسد ۱۳۰۰ خورشیدی از طرف اردوی دولتی به بیاردهان موافق و استعکامات و سنگرهای انقلابیون شروع میشود و در نتیجه تأثیر توپخانه که باقیان فاندان بودند بواسطه دو ساعت تمام استعکامات و سنگرهای آنان تصرف قوای دولتی در می آید بغیر السیف قوای انقلابیون فرار کرده خود را بسمت شلاق می کشانند.

۳۰۸

خانه پست جنگل
اوضاع رشت

سابقاً گفته شد که هیشی از طرف دولت مأمور شد که با میرزا کوچک خان وارد مذاکره شده با اوضاع آشفته و درهم و برهم گیلان خاتمه دهند هیشی نیز بوزیر بالآخره پس از مذاکرات طولانی موفق گردید که بطریق ذیل با اصلاح امور آن خطه برآزده حکومت شهر رشت تا آخر برج اسد تحویل میرزا کوچک خان گردد و راه عبور و مرور از تهران برشت آزاد شود و نیز بندرانزلی (بندر پهلوی) بقوای میرزا کوچک خان تحویل داده شود و حفظ امنیت کلیه نقاط رشت بعهده قوای نام برده واگذار گردد. و نیز از طرف خالوقربان هم شهر رشت تخلیه و تحویل قوای میرزا کوچک خان داده شود و خود میرزا کوچک خان در تحت تعلیمات و اوامر صادره از مرکز مشغول کار گردد پس از پایان این مذاکرات میرزا کوچک خان نهایت کوشش را بعمل می آورد که هر چه زودتر طریق مراهباعت عمومی گیلان و تهران را مفتوح و ایاب و ذهاب بشکل عادی جریان یابد.

پس از نقره اردوی احمد الله خان در تنکابن احسان الله خان چند روزی در اطراف رشت توقف نموده در اثر تقاری که مابین احسان الله خان و زعمای انقلابیون خلوت شده بود احسان الله خان بعنوان تعرض اعزام یاکو میشود ولی همین که به انزلی بندر پهلوی می رسد از طرف میرزا کوچک خان و سایرین به تمسب او فرستاده بشهر رشت بر میگردد و پس از مذاکرات و گفتگوها ای که قیام این میشود تقاضا حاصله مرنفع گذشته نشه جنگ جدیدی را در تنکابن طرح ریزی مینماید پس از این جریان از طرف مأمورین دولت از مذاکرات صلح با میرزا کوچک خان موقتاً خودداری میشود.

قوای جدید احسان الله خان

از طرف میرزا کوچک خان یکمده پانصد نفری و از طرف خالوقربان یکمده هفتصد نفری به احسان الله خان کمک داده میشود. اینمده باضافه قوای م - احسان الله خان از دوهزار نفر متجاوز بوده اند قوای نامبرده در تحت فرماندهی احسان الله خان فروت خود را از لاهیجان تا سفیدرود امتداد داده بودند.

۳۱۰

هیشی که فرماندهی عده شجاع السلطان که به قشلاق فرار کرده و وارد شهر رشت میشوند از طرف ساعدالدوله بدوای سلاح آنها میادیت گشته پس از گرفتن اسلحه آنها را خارج مینمایند.

اقدامات احسان الله خان

احسان الله خان که قوایش را در قلعه کوه جی خاده بود همیشه غیر جنگ را می شنود بقزاقیت برای کمک تجدیدن خود شتافته و چون از مغلوبیت و خلع سلاح آنها مستحضر میشود برای جنگ یا متحد دیگر خود یعنی ساعدالدوله اعزام شهسوار میشود. ساعدالدوله نیز هر قدر از قوای شصت تیر و تفنگ و مهملت که می توانسته بواسطه دوهزار اسب حمل میکند و بطرف اردوی دولتی عقب نشینی مینماید و قوای بوسلر دراز کبیر و اردوی دولتی بدولت اطلاع مینماید که او برادران جنگجویی برای اطاعت و انقیاد او امر دراز حاضر هستند و بدین وسیله تسلیم دولتی گردند.

احسان الله خان نیز وارد شهسوار میشود و از آنجائی که از امکان مقاومت خود مأیوس بر دستور مینماید که تمام تجهیزات خود که عبارت از مقدار توپهای بزرگ و کوچک و گلوله های تفنگ و غیره را با جانفای کهنه پیچیده آتش بزنند میگویند صدای انفجار و احتراق آنها به (کنکنا) رسیده بود. یک کرجی هم که از توپ های بزرگ و اسلحه بر کرده بود در دریا غرق میکند.

نقره قوای احسان الله خان

قوای متعلق با احسان الله خان در نتیجه ورود به تنکابن بکلی از غم متفرق و پراکنده میگردد باین معنی که عده ای از آنها توسط قوای ساعدالدوله خلع سلاح میشوند فقط عده معدودی در اطراف احسان الله خان باقی میمانند.

در خلال همین احوال هم ورقه چاپی بامضای کمیته شورای انقلاب در شهر رشت منتشر میگردد که مبنی بر این بود: چون احسان الله خان فتولامه و بدون دستور از رشت به تنکابن رفته لذا مشارالیه از دایره اتحاد ما خارج و ابتدا ایشان را بسختی نیشناسیم.

۳۰۹

وقایع بعد از نودنا

قوای دولتی عبارت بودند از یک اردوی قزاق که در تحت فرماندهی هیشی محمدخان اداره میشد بملازمه قشون تنکابن هم در تحت فرماندهی ساعدالدوله فرزند سه سالار و ساعدالملک اداره میشد پس از یک سلسله محاربات طولانی انقلابیون بطوری دچار شکست میگردند که از دو هزار و چند صد نفر عده فقط یکمده پانصد شصت نفری موفق بعقب نشینی و فرار میشوند و احسان الله خان نیز خود را برشت میرساند چون این شکست سنگین بزرگی بموقعیت انقلابیون وارد کرده بود احسان الله خان مردم را حرس میدان رشت دعوت مینماید و یک نطق مفصلی دائر بر اینکه البته جبران این شکست خواهند شد ایراد میکند.



عکس کتاب قابل رویت نبود و این بجایش آمد

میرساند چون این شکست سنگین بزرگی بموقعیت انقلابیون وارد کرده بود احسان الله خان مردم را حرس میدان رشت دعوت مینماید و یک نطق مفصلی دائر بر اینکه البته جبران این شکست خواهند شد ایراد میکند.

در خلال این احوال بین خالوقربان و میرزا کوچک خان برای تحویل گرفتن هالیه رشت نزاع میشود و متعاقب آن هم عمراغلی در رشت معقول میگردد

میرزا کوچک خان

۳۱۱

بلاور مخابراتی در اوایل برج میزان ۱۳۰۰ خورشیدی از رشت فرار مینمایند و اردوی دولتی نیز متوجه شهر رشت و تصرف آن میگردد پس از ترمیم و تشکیل کابینه قوام السلطنه وزیر جنگ از تهران بعرف رشت حرکت میکند و در موقع حرکت میگوید یا ز رشت مراجعت نخواهم کرد یا کار گیلان را یکسره میکنم .

قبلاً در صفحه ۲۶ گفته شد که شهر رشت از قوای بیگانه تخلیه شد و دولت بواسطه اعزام هیئتی بر رشت در صدد برآمد که با قوای جنگل بطریق مدارا وارد شده آنها را خلع سلاح نماید .

دولت برای آنکه کاملاً در تصمیم خود موفق شده باشد بار تشوین وزیر مختار روسیه نیز وارد مذاکره شد که مشار الیه هم در این زمینه با دولت کمک کرد به قضیه گیلان خاصه دهد وزیر مختار روسیه نیز بدلت آنکه طرق تجارتی روسیه بایران از راه گیلان امن شده باشد بک سلسله اقداماتی در این مورد بعمل آورد و بواسطه فاسدهای مخصوص خود و مبادله نامه با میرزا کوچک خان وارد مذاکره شد تا قضیه گیلان خامه بابد اینک متن دو نامه متبادله بین طرفین که عیناً از روزنامه پرورش شماره ۶ و ۷ نقل شده میآید برای میداطلاع خوانندگان درج مینمایم .

مراسله و نوشتن وزیر مختار روسیه بمیرزا کوچک خان

رفیق محترم کوچک خان

من زیاده از حد از اطمینان که توسط رفیق سعاداد درویش اظهار کرده و موافقت با سیاسی که من از طرف دولت شوروی معرفی می کنم در نظر دارم خوشوقت گردیدم و همچنین متشکرم از شرایطی که توسط کلاختراف فرستاده بودید و لازم میدانید که بدولت پیشنهاد کنید با پروگرام شرایط و درخواستهای من در نظر من ایمنه مختار دولت جمهوری شوروی اشتراکی روس می گذرانید بافت هر چه نامتشرخواتم لازم میدانم یک نامه دیگر بشمارا متفاهم کنم بر اینکه من سعادت ایران را میخواهم و از برای استقلال و آزادی خارجی و داخلی این ملت می گویم از برای همین مقصود من با قطع در بیرون بردن قوای مسلح اجنبی از خاک گیلان می گویم .
من بقصدی خود رسیدم یعنی تشوین انگلیس و روس که سعادت باشد از قوای روس و آذربایجانی رفته و خوشوقت از اینکه اقدامات من بی نتیجه نماند و این اقدامات با نظریات تشکیلات دولتی و حزبی مسکو موافق آمد در موقع انجام اینکار قطع نمکرم این بود که تنها امنیت میتواند ایران را از جنگ امیربالیستهای خارجی که نسبت بایران نظریات طبع کارانه دارند خلاص کند من فکر میکردم که نظریات انگلیسها ابتدا که در شمال باختری پدیدار گشته یا اینکه نامشی را

۳۹۲-

خاتمه نهضت جنگل

پس از آنکه از سعاداد درویش شنیدم که در میان موافق نظری پیدا شده است و شما حاضرید که سیاست خود را با سیاست من مطابق کنید زیاده از حد شغوف شدم با وجود تمام این شرایط من بالطبع گمان می کردم که پس از خروج قوای اجنبی و صدور تأمین از برای شما به توسط من شما با قطع سلاح شده و با یک قطعه ای خودتان را کنار می کشیدید و در آنجا منتظر موقتی خواهید بود که شاید ملت ایران شمارا بیاری خود بطلبند اما شما اینطور ننگرید از برای کنار کشیدن خودتان ترك عملیات شرح مسوعطی منی بر قاضا بدولت ایران وین پیشنهاد کردید مثل این بود که شما فقط بهین شرایط حاضرید که بوضعهای خودتان و آن کنید سیاست خودتان را با سیاست من مطابق نماند و از دخالت اجنبی که بر ضد استقلال مملکت است جلوگیری کنید این بر بیسوی نظر من مخالف می آمد زیرا مانند این بود که شما در صورت عدم قبول این شرایط حاضرید که با انگلیس ها در عملیاتی که بر ضد استقلال آزادی این ملت مجری میدانند کمک نمائید در موقع تغلبه گیلان از تشوین روس و آذربایجان یک مسئله دیگری هم بروز کرد .

این مسئله باز شدن راهی بود که نه تنها ایران را بروسه بلکه باتمام دنیای خارجی متصل میسازد بنظر من هر ملت پرست وطن برستی پیش از همه چیز باید آزادی باز شدن این راه را داشته باشد بواسطه اینکه پس از باز شدن این راه ایران نفس راحتی خواهد کشید این راه ایران را از حیث اقتصاد باتام دنیا متصل خواهد ساخت .

این راه احتیاج اقتصادی ایران را با انگلیس کم خواهد کرد و بهین توجه ضرورت به نفوذ آنها وارد خواهد آورد شما پوشیده نیست که از فقدان روابط تجاری بسیار ممالک تا به اندازه نظر بایران روی داده است و همین فکر موثرترین حربه سیاسی و اقتصادی در دست آنها خواهد بود بهین جهت من گمان می کنم که اولین وظیفه شما که یک شخص وطن پرست و ملت پرستی هستید اینست که از هیچگونه سعی در باز کردن راه گیلان دریغ نکنید و از برای کسانی که در این طریق کار می کنند اشکالات فراهم نکنید عرض تمام اینها من متأسفانه می بینم که شما بواسطه پروگرام تقاضاهای خودتان در باز شدن یک همچو دروازه ای که از برای حیات ایران لازم است جلوگیری می کنید حتی پس از غور در مواد تقاضا نامه شما من به نقطه نظر رسمی برسی گشتم .

اگر آن تقاضا نامه بجمان فرمی که نوشته شده بود و رفیق کلاختراف بین روسانید باقی میماند من گمان میکنم در آن فرمی که اون نوشته شده بود یک اندازه قابل قبول بود چه از برای دولت و چه از برای من .

البته شما ملت هستید که تقاضاهای شما بجمان ترمیم یک توسط رفیق کلاختراف پیشنهاد کرده بود در طرف یک شب صورت پذیر نیست و بکمدت کم و بیش و گشکش لازم دارد وقتاً شما منتظر اجرای کامل آنها پیش از دست کشیدن از عملیات و قطعه راه رشت نبودید همینطور هم از من منتظر اجرای نوری آنها نبودید زیرا بدون مقدمه و ارجاع با ادارات متفرقه دولت امکان پذیر نیست .

من گمان میکنم که در زمینه تقاضاهای که توسط رفیق کلاختراف فرستاده بودید ممکن بود نواقظ نظری پیدا کنیم اما در ردیف این تقاضاهای نوشته پیشنهادت دیگری توسط رفیق سعاداد درویش فرستادید که مشکل الاجری ترند شما میخواهید که از تقاضای ایرانی عقب بنشینید بطرف

وقایع بعد از کودتا

داده دند و عملیات آنها اکتار مرا ثابت میکرد و بواسطه این نلاسی ها آنها منیر - خودشان را حافظ تشکیلات دولتی و اقتصادی معرفی کنند با منافع روسیه ضدیت کنند ایجاد خوف در میان درباریان و زمامداران بکنند و موقعیت خودشان را در جنوب مستحکم سازند تا سعی در جلوی شطر روسیون باشد و لازم نیست من از برای شایرش بدکم که تاجه اندازه و غمیبت سال گذشته گیلان نافرمانگیسوارا زیاد کرده و بنام یک ما طبقه وارد آورد حتی اخیراً هم اقدامات خودسرانه ساده اولوله و احسان افغان خان در تشکیلات کار مرا تأثیر نداشته اند و بازار آنها را در تهران رواج داده .

از برای همین مقصود من سعی می کردم و می کنم که ترمیمی در رابطه شما با دولت تهران داده باشم هر چند سعادت من یاری نکرده است که شمارا شخصاً به بینم اما با سابقه غرب شما آشنا هستم و غمناک سابقه شما و پوزی سیون کوتونی منی

مسر و تنگی میلیون را بسیار قیبتی بشمارم با آن امید می که بدوستی شما دارم بفرود اجازه میدهم که گوشه بکنم که بواسطه وضعیت مخصوص بین الملل از برای شما ممکن نشد با تأکید خودتان دولت را ترسانیده یا مجبور به بعضی تغییرات بکنید یا اینکه مملکتی را از نفوذ و حضور انگلیسها آزاد نمائید بازم تکرار می کنم که این تقصیر شما نیست .

بلکه بواسطه وضعیت بین الملل است و از زمان جنگ با نظریات روسی داده است .
چونکه ما یعنی دولت شوروی در این موقع عملیات روسیونی را نماند بی فایده بلکه مضر میدانم .

اینستکه فرم سیاست خود را تغییر و طریق دیگری اتخاذ می کنیم هر چند از زمان عقد قرارداد ما بایران که تغییر سیاست مارا نشان میدهند چند ماه پیش نگذاشته است و قلیل مدتی است که من در ایران توقف دارم با وجود این همه پیشرفت سیاست خودمان ملاحظه می کنم شکی نیست که نفوذ روسی آنها نه تنها در شمال بلکه تا به جنوب مترازل شده است .

اما هنوز از حیث وسایل مدنی خودشان زیاده است .

با وجود این گیلان میباید که بیک توده های حساس ملت بتوانیم این نفوذ را هم بر طرف سازیم این نظریات مرا و اداری کرد که در رابطه شما با دولت مداخله انانیم شما ملت هستید که از روی مواد قرارداد ما مجبور هستیم که دولت را از وجود و عملیات روسیون های ایرانی مستغلس سازیم اجبار ما منحصر بود فقط بخارج کردن قوای اجنبی روسی و آذربایجانی از گیلان از طرف دیگر از روی همان مواد قرارداد ما دعوت نموده ام که در مقابل دولت از قوای انقلابی ایران را محافظت کنیم پس از آنکه ما عدم مداخله در کارهای داخلی ایران را قبول کردیم نهی بایستی در مقابل دولت از هیچ یک از اهالی دفاع کنیم اگر چنانچه من یک همچو نقطه نظری را که حق من است اتخاذ می کردم حق داشتم که خود را کنار کشیده اعلان کنم که در رابطه دولت ایران و کوچک خان انقلابی هیچ مداخلتی ندارم .

این بود که در ملاقات اولی که من با سعاداد درویش کردم او را از نظریات خود یعنی ضرر امتداد عملیات انقلابی در شمال مستعصر ساخته و خواهش کردم که شمارا از این نظریات آگاه ساخته تا عملاً معرفی داریه .

۳۹۳

وقایع بعد از کودتا

قزوین و ایالت گیلان را بکلی در دست شما باقی بگذارند .

میخواهید حکومت گیلان در دست یکی از رقای نزدیک شما باشد و با حکومت با استقلال این ایالت داده شود همچنین میخواهید که منافع این ایالت مطلقاً واجیع بشما باشد الی آخر
گفته از آن مسئله که تاجه اندازه میزبان شدن ایالتی مثل گیلان برای آزادی و ترقی این ملت نافع و یا مضرات من میخواهم اشاره بکنم که یک همچو تقاضایی از برای هیچ دولتی قابل قبول نیست .

وقتی که دولت شوروی در سنه ۱۹۱۹ حاضر بود که بطور سالتانه جنوب را به دیکتاتور سیری را بکلیچاک و آنگار نماید .

«تصمیم کنفرانسی که در جزایر پولس تشکیل یافت» .

بواسطه لاعلاجی بود و او را بسالنی بایستار و اداری میکردند که از دایره تقیض او خارج بود - آیا میتوان امیدوار شد که دولت ایران با وجود شکست نمودن از شما حاضر شده که مملکت و قدرت دولتی را اینطور تقسیم کند واقفاً هم وقتی که من یک همچو معامله ای را برپس الوزراء حایبه قوام السلطنه پیشنهاد کردم بکلی رد کردند .

نواب صورت از برای من واضح است که بایک همچو شرایطی اگر شما در اجرای آنها اصرار داشته باشید صلح در میان شما و دولت امکان پذیر نیست این را هم بدانید که وزیر جنگ و رئیس دیپلومیون فراتر از شما ان سردار سه چندین دفعه از من تقاضای اجازه اجاره کرد که این مسئله را بدستور قوام السلطنه بزور اسلحه بقتل برساند هر دفعه من از او جلوگیری میکردم و وعده میدادم که مسئله گیلان را بدون خواربازی خانه دهم .

اگر چنانچه حالا پس از رد قطعی پیشنهادت شما از طرف رئیس دولت من خود را کنترل کشیده اعلان میکنم .

که در کارهای داخلی ایران مداخله ندارم .

بورش قزاقها بیروت شما حتی بود و گیلان میدلمیشد یک صحنه جنگ داخلی و خونریزی ملی اما من اینکار را نمی توانم بکنم .

بواسطه احساساتی که چه نسبت بشما و چه نسبت بدلت ایران دارم در همان جا من برپس الوزراء پیشنهاد کردم .

که از برای آخرین قدم و یک تقصیری هم نسبت بشما حاضر شده ام از برای همین است که این کاغذ را مینویسم پیشنهادت من از قرار ذیل است .

قزاقها عقب بنشینند بطرف قزوین و شما هم قوای خود را بچنگل عقب ببرید .

من بشما اطمینان میدهم که قزاقها مجدداً پیش نیایند و همچنین از طرف شما هم بدولت اطمینان خواهم داد .

حکومت رشت با توافق نظر ما هر سه خواهد بود و قوتسول من در رشت ملتت خواهد بود که از طرف او و شما تجاوازی نشود .

بحکومت از برای حفظ امنیت یک قوه جزایی زاندارم داده خواهد شد .
و همچنین قوای شما باید در یک حد معین باشد که از طرف آنها از برای دولت با حکومت دشمنی متصور نباشد و لیکن آن عده باید برای محافظت شما کافی باشد معلوم است که نه از برای

حکومت و برای شما از خارج نباید کسی برسد
بالاخره بشما اطمینان يك مبانی داده خواهد شد و بتوانید با آن مبلغ معارج خود و قوای
خود را بعهده دار شوید .

این مبلغ را یا از تمام ابلت بطور سرشکنی جمع خواهد شد و یا با عوارض خواهد بود از
اینکه يك قسمت از مالیات هارا اختصاص خواهند داد .

من يك هدیه پیشنهادی را از هر دو طرف قابل قبول می بینم و با اختراعات و احتیاجات
هر دو طرف موافق میدانم نه دولت از شما و نه شما از دولت هیچکدام از یکدیگر بیهودچه و احمای
نخواهید داشت گذشته از این شما دارای قوای خواهید بود از برای موفقی که دولت ایران بطور
تطمی خودش را با جانشی بپوشد باید رفیق محترم خود را مستعصر بنارم و اطمینان بدهم از این
بکه وضعی شما و مسالنی را که ممکن است در آتی از برای شما روی بدهد تمام را من در
نظر دارم .

من بکلی مطمئنم از این که این پیشنهاد از برای آتی مفیدتر بود چه پیشنهاد بود
در عرض کسی خواهد بود از برای برقرار داشتن امنیت در شمال و بهین مسئله گردش اقتصادی
که از برای ملت ایران ضروری خواهد داشت .

زیرا از روی تجربه دیده ایم که از سستی قوای مرکزی ملت ایران بهره منده میشد بلکه استفاده
آن ضعف فقط متوجه اجنبیان مستحکم بود .

نقطه يك دولت نوی مرکزی بی توانانه، ابلت امروزی را در ایران مسدود نماید و چون
که دولت مزبور لا اعلیاء با منتهی خواهد بود .

اینست که عقب نشینی و تسلیم از برای او سخت تر از پیش میشود .
رفیق محترم را تصدیق می کنم از اینکه آخرین دفاعیست که من در روابط شما با دولت
ایران مداخله می نمایم .

من از شما خواش و التماس می کنم که مداخله من را رد نکنید و باور نکنید که من از روی
صبیبت فقط میخواهم در این موقع سخت با ایران کمک کرده باشم .

و همین شخصی شما را بکنفر سردسته رشیه ملیون میدانم قوی العاده محترم می شمارم اگر
شما پیشنهاد مرا قبول نمائید و جوابش را توسط تاسدی که مراجعت میکند بفرستید .

من مطمئنم هیچوقت پشتیبان نخواهید شد اما اگر پیشنهاد مرا رد کنید من مجبور میشوم از
اقدامات دست کشیده خودم را مجبور بکنم «با يك دودی در قلب» بیاضهای يك جنگ و يك برادر
کشی اینکه لطفه بزرگی با آزادی ملت ایران وارد خواهد آورد .

در خانه از مسیم قلب احترامات فائده خود را تقدیم میدارم .
«دوستین»

پاسخ میرزا کوچک خان بنامه رفیق دوستین
نماینده «انتخاب جمهائیر متحده شوروی اجتماعی روسیه

رفیق محترم

خیلی خورسندم درمراسله اخیریه که توسطه ولین کلاتراف مرفوم فرمودید کاملاً تصدیق
داوید که ایران میدان فرض زانی اجانب و متمدیان عالم بشری بوده و حیات اجتماعی دست خوش

استفاده سرمایه داران خارجی و منفعت برستان داخلی است ضعف و لاپهالی گری زمامداران
دوره های متوالیه مرکز لزوم اصلاحات داخلی را تأیید و هر گونه پیام و نهضتی را که متضمن
اصلاحات اساسی مملکتی باشد مشروع میسازد .

من و یارانم در مشقت های فوق الطافه چندین ساله هیچ مقصودی نداشتند و نداریم جرحفظ
ایران از شر شرکات و فشار خارجی و شاهنشاهی داخلی تأمین آزادی و آسایش و نهجیران ستمیده مملکتی
و استقلال «کرد» ملی و همه فداکاری بنده و احرار جنگل برای همین مقصود عالی بود پس
شما که نماینده رسمی دولت جمهوری شوروی روسیه هستید و دولت شما را بگفته حامی و پشتیبان
این مسلک و عقیده دانسته و میدانیم همین عقیده و اعتماد بود دو سال قبل قشون سرخ ساتوت روسیه
را که بدون دعوتی با ایران آمدند با یک عالم امید پذیرفتیم .

متأسفانه رؤسای بی احتیاط قشون شما و مقصدین داخلی نگذاشتند که استفاده کامل از این قوه
کرده انقلاب را پیشرفتی دسیم اگر نظریه ما برخلاف سنجرات فون الذکر بود شاید باختلافات
و هرج و مرج را که تولید کرده بودند وقعی ندادند همان مصائب و زحمت را که بگیلان وارد شده
بر تمام ایران تجدیل می کردیم ولی سعادت مملکتی طرفدارای رنجبران مجبورم کرد که از ضررهای
آنان جلوگیری کرده انقلاب را در زمینه اساسی موافق با حوصله و حوائج عموم سوق دهم من
علاج نظمی و نجات واقعی ملت را از کلیه متاعب و موقیبت انقلاب مقدس میدانم ولی امروز که شما
با نظریات صابیه حکومتی ساتوت و اطلاعات و وسایطیکه در سیاست جاریه مملکت و قضایای بین المللی
داوید و کاملاً درمراسله شریفه شرح دادید صلاح در سکوت و قوف این جمعیت در امر انقلاب می
دانید من باطمینان صداقت و آزادیخواهی شما هم عقیده میشوم که امروز ادامه انقلاب استقلال سیاسی
و اقتصادی مملکتی را جریحه دار نموده و نفوذ امپریالیست انگلیس را تقویت و ملوک الطوائفی
را در اکتاف ایران معمول میسازد .

بنابراین ناچارم برای دوهم شکستن پیچهای دسیسه کارانه آنها سکوت و وقفه را گوارا
شده و امید حکومت ساتوت روسیه که محل رجاء تمام احرار عالم استد جمعیت خود را با آرامش
تدریج و توجیه نموده «و با خردن اجزای که مخالف این توجیه میباشند برونه مخالفت نمودم»
و چنانچه درمراسله خود تصریح کرده اید منتظر میمانم که سیاست دولتی تاجه پایه منافع توده اصلیه
را در نظر گرفته و استقلال ایران را دفاع میکند .

بعلاوه مترصدم که حکومت ساتوت تاجه اندازه در زمینه آزادیخواهی خود و ملت ستمیده
ایران اظهار مساعدت و تمهیدات کنیی شما در حیات اقتصادی مملکت چه تأثیری وارد خواهد کرد .
بنابراین شرایطی را در زمینه پیشنهادات شما که متضمن بقا و صلاح جمعیت و جلوگیری
از حدوث بدنامی در انتظار احرار خواهد کرد پیشنهاد و حتی الاجراء میدانه البته هیئت نمایندگان
جمعیت آفر با نظر شریف خواهند رسانید یقین کنید که تأیید سیاست مشروحه درمراسله شما بعفظ
مصالح مملکت مرا و جمعیت را تاحدی قانع کرده و امیدوارم که دولت ایران نیز از سکوت جمعیت
استفاده سوء نکرده اصلاحات منظوره را در مملکت وجود خارجی دهد در شانه تفکر بدهم
مقصود من و یارانم حفظ استقلال مملکت و اصلاح و تقویت مرکز است تجزیه گیلان را که مقدمات
ملوک الطوائفی و ضعف ایران است خیانت سریع دانسته و میدانیم چنانچه پیشنهادات هیئتی که ما
بعولت وقع این توهم را مینماید - ایام موقیبت مستدام باد (کوچک جنگلی)

هتولد گردید یکی از طلاب علوم دینی بود و مدتی از عمر را در تهران برای تحصیل
علوم فدییه صرف کرده و در ضمن تا دوره دوم مجلس شورایی با آزادیخواهان
و مجاهدین تهران رفیق و در موقع خود همکاری مینمود . پس از آنکه ناصر الملک
(نایب السلطنه) بعلمت آنکه باید انتخابات تجدید شود در مجلس را بست و عده ای
از آزادیخواهان را بنقاط مختلف تبعید کرد منجمله میرزا کوچک باقی سردار
محبی و ناصر الاسلام بطرف یزد تبعید شدند .

ولی در این ضمن ۵ نفر دیگر از دموکراتهای تهران منجمله سید جلیل اردبیلی
و مسارات و منتصر السلطان و دوفتر دیگر مجدداً بیزد تبعید شدند حضرات موقمی
که بقم رسیدند به بهانه اینکه راه امن نیست بوزارت داخله که در آن وقت بمهدیه
قوام السلطنه بود التکراف کردند چو با دستور داده شد که در قم توقف نمایند تا دستور
تائوی فرستاده شود .

پس از هفتماه اقامت در قم قضیه نهضت سالارالدوله در کرمانشاهان در گرفت
چون یازدهم محمدرخان که از دموکراتها و آزادیخواهان بود در اینموقع با سالارالدوله
در کرمانشاهان موافقت نمود بمود قبل از این پیش آمد مشارالیه با دموکراتها کاملاً
در هر عملی و نهضتی موافقت میکرد با این سبب دولت بخیال اینکه عده ای از تبعید
شدگان در قم از حزب دموکرات بودند همکسرت بهیار محمدخان ملحق شوند لذا
فوراً تبعیدشدگان بقم را شبانه بتهران میآوردند و ابتداً برای مدت چند روزی در اداره
ژاندارمری «باغشاه» تحت نظر قرار میدهند .

میرزا کوچک خان نیز در تمام این مدت همراه این عده بوده است در این اثنا
قضیه سالارالدوله خامه پیدا میکند و این عده محبوبین را دولت مرخص مینماید.
ناگفته نگذیرم موقمیکه محمد علیشاه بحمایت دولت روسیه تزاری وارد کرگان
شد و خیال داشت که بتهران آمده اوضاع مشروطه را بر هم زند مجاهدین ایران
از همه جا بیچان آمده و برای جلوگیری از وی بطرف استرآباد حرکت کردند .
میرزا کوچک خان جزو این مجاهدین بوده و در استرآباد هدف گلوله مستبیدین

در خلال این احوال شهر رشت بتصرف قوای دولتی در میآید ۲ روز ۲۲ برج
میزان ۱۳۰۰ خورشیدی و وزیر جنگ و اردشهر رشت میگردد خالوقربان یکی از سران
مستبیدین جنگل هم بدولت اظهار اطاعت و انقیاد مینماید بکلی تسلیم دولت میگردد
(پس از چندی هم با درجه سرهنگی وارد قشون میشود)

پایان کار و زندگانی میرزا کوچک خان

میرزا کوچک خان نیز با قوای چریک خود به پیسی خان يك فرسخی شهر رشت
عقب نشینی مینماید پس از مصادمه دیگر بصومعه سرا عقب نشینی میکند قوای
مشارالیه هم رفته رفته از دودی برانگنده شده میرزا کوچک خان ناگزیر بمقرب نشینی ادامه
و تمسیم میگردد که بطرف کوههای خلخال رفته با میر عشاير معروف ملحق شود ولی
قبل از رسیدن بمقصد در قلعه رودخان محصور شده ولی قوای نظامی نمیتوانند آنجا را
صرف نمایند تا اینکه میرزا کوچک خان آنجا را تخلیه و بمقرب نشینی ادامه میدهد .
ناگفته نگذیرم که روز ۲۹ صفر شبانه عده ای از قزاقها را بقزاقخانه اجضار
و آنها را فوراً بطرف رشت اعزام مینماید قبل از ورود قوای جدید رشت فرار شده بود
که از طرف میرزا کوچک خان نماینده های رشت فرستاده شود که با وزیر جنگ مذاکره
نماید بنابراین از طرف میرزا کوچک خان میرزا عبدالحمید خان شفانی به نماینده گئی
از طرف مشارالیه اعزام میشود و بمجرد ورود برشت سردار سپه بعلمت مخالفت با میرزا
کوچک خان او را دستگیر و تحت الحفظ بتهران میفرستد و خود سردار سپه پس از چند
روزی که در رشت توقف مینماید بطرف مرکز عزیمت مینماید و همین طور بین قوای
هولتی و میرزا کوچک زدو خورد های مختصری بوقوع میپیوسته است تا اینکه عصر روز
سه شنبه ششم ربیع الثانی (تاریخ فوت میرزا کوچک خان روز دوم ربیع الثانی ۱۳۴۰
برابر یازدهم دلو ۱۳۰۰ خورشیدی میباشد) فوق العاده منتشر شد که میرزا کوچک
خان و کائوک آلمانی در نتیجه تعقیب قزاق وینانده شدن آنها بکوهها از سرمانیخ
زده و مردماند سوارهای طالب سرار را بریده برشت فرستادند .
مختصری از زندگانی میرزا کوچک خان

پوس و معروف میرزا کوچک فردی در سال ۱۳۰۰ در استرآباد در روز ۱۲۹ شهری

قرار میگردد و در میدان جنگ میفاندد موقع جمع آوری کشتگان بهداری ملبس سرخ روسیه تزاری میرزا کوچک خان را که بواسطه جراحت وارده بیحال شده بود تحت معالجه قرار میدهد و او را بباد کوبه میفرستد. میرزا کوچک خان پس از معالجه بایران مراجعت میکنند. در همین اوان هم بهاء بیگ و حسن روشنی بههران آمده شروع به تشکیلات اتحاد اسلام مینمایند. میرزا کوچک خان هم داخل این جمعیت گشته تا اوایل جنگ عمومی که بطرف رشت و جنگل حرکت میکند و در آنجا با موافقت رفقای خود تشکیلات اتحاد اسلام را میدهد (۱۳۳۳ قمری) این تشکیلات چندین سال هم ادامه داشت و ضمناً در این اثنا میرزا کوچک خان یکمده قوای مسلح اطراف خود جمع و اغلب با قوای انگلیسها و روسها جنگ و گریز میکرده است که شرح عملیات وی را ذیلاً از نظر خوانندگان میگردانیم

جنگ باقوای روسیه تزاری

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ کاخ امپراتوری تزار را از گون ساخت (۱۳۳۶ قمری) جنگهای داخلی در روسیه بین انقلابیون و منشویکها در گرفت. انقلابیون روسیه با مخالفین خود سخت مبارزه پرداختند.

قوای روسیه تزاری در ایران فحش فرماندهی ژنرال بارانوف همینکه شنیدند در کشور روسیه انقلاب اکتبر اوضاع آنجا را دگرگون ساخته شیرازه نظام آن از هم کسبخت و نظم و ترتیب قشویی که در شمال و شمال غربی ایران داشته‌بدهم خورد. این قشون که از دو دسته تشکیل شده بود تصمیم گرفتند با وطن خود مراجعت نمایند. دسته از این قشون تشکیل میشد از قزاقهای سوار و طلب و دسته دیگر از افرادی پانده غیر داوطلب. در موقع مراجعت قزاقهای پانده غیر داوطلب پرسه در پاره از شهرها بقتل و غارت و چپاول اموال مردم پرداخته بگ هرج و مرج و آتارشی مخصوصی در ایران ایجاد کرده بودند هنگام مراجعت این قوا همیشه به حدود گیلان رسیدند میرزا کوچکخان برای آنکه از قتل و غارت آنان جلوگیری کرده باشد سر راه آنها گرفت و بک سلسله جنگهایی بین طرفین بوقوع پیوست. بالاخره قوای متهم روسیه تصمیم گرفت که

نخست جنگ

احضای این قرارداد باعث شد که قوای روسیه صفحہ گیلان را مانند میدان قزوین مورد قتل و غارت و چپاول قرار ندهند و با یک انتظام و هیئت مرتبی دسته از خاک گیلان عبور و از بندر انزلی رهسپار روسیه گردند. ضرب دستي که قوای جنگل بر قوای روسیه تزاری نشان داده بود چون بمب در فضای ایران صدا کرده و ملذون ایران این عمل میرزا کوچک خان را با دیده تحسین مینگریستند میرزا کوچکخان نیز بر تشکیلات جنگل نوسه داد و در کوراب زرمخ مدرسه نظام تأسیس کرد و عده از جوانان گیلانی را در این مدرسه وارد و آنها را بقشون نظامی آشنا ساخت.

مبارزه با انگلیسها

ژنرال بارانوف از ایران خارج شد بین‌النهرین به تصرف انگلیسها در آمد عدای از قوای روس که در تحت امر ژنرال بیچراخوف بودند از قصر شیرین و کرمانشاهان مراجعت کرده از طریق همدان و قزوین و گیلان خیال باز گشت بروسیه را داشتند. در این موقع عدای از قوای عثمانی بقتل از حمله کرده قسمی از آنها را اشغال کرده بودند و قصد داشتند که قوای هم بایران اعزام دارند.

در این موقع انگلیسها از وضعیت داخلی روسیه همچنین از وضعیت قوای عثمانی و آلمانان انگران بوده در صدد برآمد در ایران حکومت مقتدری که با عقائد آنها موافق داشته باشد بوجود آورند اما این حکومت با بودن یک عده قوای چندین هزار نفری در گیلان تقریباً غیرممکن بنظر میرسید. انگلیسها در صدد برآمدند که با احراز جنگل باندبیر سیاسی طرح دوستی ریخته آنها را بخود همراه نمایند و چون انگلیسها قصد حمله به قفقاز را داشتند ناگزیر بودند عدای قوا از طریق گیلان به قفقاز اعزام دارند اما با بودن میرزا کوچک خان عبور این راه خالی از اشکال وبدون مصادمه و خونریزی بنظر نمیرسید.

بنابر این کلنل استوکس انگلیسی را جهت مذاکره و عقد قرارداد با جنگل فرستادند. شخص نامبرده در باغ آتشگاه ۳ کیلو متری رشت با میرزا کوچکخان

با میرزا کوچکخان و قوای جنگل وارد مذاکره شده طبق شرایطی از حدود گیلان عبور و ایترنا تخلیه نمایند. نمایندگان طرفین بطول بیکه در روزنامه پرورش درج شده) چنین مذاکره و توافق نمودند که:

- ۱- در این ایامه گان جنگل اظهار نمودند عملیات روسهای تزاری در این ایران بر اساس مودت و با این خلل وارد کرده و با این رویه ممکن است روابط مسالمتی بکلی منقطع گردد و ضروری می دانیم سکه از این بیم اقدامات لازمه برای جلوگیری از قطع روابط بعمل آید.
- ۲- نمایانتر سنده قشون رشت با کلوک لرد کیبایندزه اظهار داشت که مطالب اظهار شده نمایندگان جنگل را بزرگوارانه عرض کرده ام و ژنرال مستظرف از این فتنه که داد و در اول فتنه دوست متوفف خواهد بود و قشون را بر طبق دستور معین روانه روسیه مینماید و اما راجع برشت بر حسب پیشنهاد و تصحیحی که من کردم یکمده پیش قرار ملی روس تشکیل گردد و از روی وحدت کار کرده و خلافتکارها را مرتع سازد و در بهای دکان مشروب فروش بیسته شود تا نمایان روس در موقع استعمال شرب مرتکب خلافتکاری نشوند و در خمسون وقایع منجیل و خسارتیکه متوجه مردم آن عده شد بروتکلی تمهید کند تا یکسانیکه تجارت وارد شده بزرگواران فتنه دستور داده شد که خسارت را نادیده و از خلافتکارهای نظامیان روس جلوگیری بعمل آورند.

پس از مذاکرات قرار بر این شد:

- الف - یکمده بازده قری از طرف احرار جنگل بتواند کمک به پیش قراول ملی روس که تشکیل یافته بملت کسی عده داده شود.
- ب - بر تیس ملی پیش قراول روس در دستگاه در شکه شهری بدهند.
- و - یکمده سگه تلفن منزل رئیس قشون رشت بگذازند و مصارف آنها بعهده احرار جنگل است.
- گ - در قفقه وسط شهر رشت منزلی برای اقامت پیش قراولهای ملی روس و رئیس قشون تعیین گردد.
- د - نمایندگان اظهار تمایل کردند که برای حفظ امنیت دائمی شهر قرار شود از ساعت هشت بهاد ظاهر بعدی از افراد نظامی روس و قشونیکه از خط عراق برای هدایت روسیه عبور مینمایند داخل شهر نشود بلاوه اقدامات مذکوره نمایندگان روس چپه مینگیرند که در ساعت لازم برای حفظ بقای امنیت اقدامات سربیه در صورتیکه اخلال این قرارداد از طرف روسها نشود بنمایند و در صورت امضا، با مالی چه شخصی وجه مالی باید بروتکلی از طرف پیش قراول ملی روس باقتان نماینده جنگل نوشته شود و ناده خسارت که وارد عده جنگل آید.
- در نسخه این مذاکرات قرارداد بشرح بالا بزبانهای روسی و فارسی نوشته شد یکی برای رئیس قشون شهری دومی برای هیئت اتحاد اسلام و سومی بکمیته مجمع روسیون داده شد و قرار دادنا مدت دو ماهه سکه قریباً عبور قشون روس از خط رشت طول خواهد کشید مجری و معمول خواهد بود.

و سران جنگل ملاقات نمود در این ملاقات طولانی شکست قطعی عثمانی بپدید آمد. التهرین و وضعیت مستحذین اروپای هرگز و سیاست بین المللی مطرح مذاکره واقع گردید و نیات انگلیسها تا اندازه ای برای جنگلیها واضح شد. انگلیسها به میرزا کوچک خان پیشنهاد کردند که حکومت ایران را با ووا گذار نمایند دولت انگلیس نیز نهایت مساعدت را با چنین حکومتی خواهد نمود. اما میرزا کوچکخان و سران جنگل فریب این قبیل وعده های پرمکروزیب انگلیسها را نخورده تسلیم افکار و عقاید نظریات آنها نشدند. کلنل استوکس بدین اخذ نتیجه بقزوین مراجعت کرد و انگلیسها بملت آنکه میبایستی قوای پانده کوبه برسانند ناگزیر از جنگ بودند اما چون موقعیت جنگلیها مستحکم بود و از حیث افراد هم بر قوای انگلیس برتری داشتند ژنرال دانستر ویل فرماده قوای انگلیس در ایران مجبور شد با ژنرال بیچراخوف وارد مذاکره شد و از راه بطوری ممکن است متقاعد نمایند تا وی باقوای خود بکمیته انگلیسها شافته از خط گیلان عبور کند. بیچراخوف فرماده سوار نظام تا نزدیکی منجیل رسید ولی همیشه مشاهده کرد کوههای المراف چاده بدست قوای جنگل میباشند و بدین جنگه ممکن نیست عبور کند پیشنهادی به میرزا کوچک نموده ۸ ساعت ضرب الاجل همین کرد. میرزا کوچک خان پیشنهادات ژنرال بیچراخوف را رد کرد و جنگه در روز چهارم رمضان ۱۳۳۶ هجری در دو طرف رودخانه و منجیل آغاز گردید ژنرال بیچراخوف بملت آنکه نوبخانه و زرمه پوشها و هوا بیمهای انگلیس از او حمایت میکرد بر قوای جنگل تلفاتی سنگین وارد کرد و عده در حدود ۴۵۵ نفر اسیر از قوای جنگل گرفت و قوای میرزا کوچک خان ناگزیر شد مواضع خود را ترک و به جنگل عقب نشینی نمایند ولی دائماً این دستجات میرزا کوچک خان و قوای ژنرال دانستر ویل انگلیسی و بیچراخوف روسی زود خورد هائی بوقوع می پیوست. بالاخره انگلیسها خود را به بندر انزلی رسانیدند.

ژنرال «دانستر ویل» انگلیسی فرمانده قوای بود که ازین التهرین بنحاک ایران آمده از طریق کرمانشاهان و همدان و قزوین و گیلان خیال حله و عزیت به آذربایجان قفقاز داشت ژنرال نامبرده با قوای خود بتهرین که میرسد متوجه میشود که میرزا کوچک خان دارای قوای

زبانی است و از عبور وی جلوگیری خواهد نمود درصورتی که با میرزا کوچک خان هر طرز هست کنار آمده خوردن را به بندر اترلی برساند ...

نیز در صفحه ۶۹ مینویسد .

«نهضت جنگل از طرف میرزا کوچک خان افلاکی معروف که یک ایدئالیست باشرف و متفلسف است تشکیل یافته پرگرام او حاوی همان افکار و اصول و مرام های مبتذل و غیرقابل تحمل میباشد منجمله :

«آزادی - مساوات - اخوت - ایران مال ایرانیان است - دور باد خارجی» تصریح و سایر مواد پرگرام فایده ندارد همان اندازه که دروغ و کذب محض است بهمان نسبت هم زیاد میباشد دنیا از دست این مرام ها بپتوه آمده است .

برده دوم این نمایش هم از آن نمایش کمته و مبتذل است میرزا کوچک خان کینه ابراهیم تشکیل میدهد . کینه تورا اختیارات او را دوست خود میگردد از خیال میکند که کینه تحت اختیارش می باشد و صورتیکه کینه او را جلومیراند ...

قوای میرزا کوچک خان تحت فرماندهی «قرن پاشمن» صاحب منصب آلمانی قرار گرفته و ستانان اطریشی آنها را تسلیم میدهند ...

نویسای مسلل و نشنگ های ساخت ششانی عددترین قسمت اسلحه آنها را تشکیل میدهد بنابراین ما اولاً در مقابل خودمان میرزا کوچک خان را داریم که از حیث معلومات و اطلاعات خیلی معهود و بی نهایت هم خودبین است .

میرزا کوچک خان خوشبخت بود از اینکه قوای روس از طریق گیلان اراضی ایران را تخلیه میکنند و امیدوار بود که روسها برای همیشه دست از ایران کشیده و بخواهند رفت و این پیش آمد با آنها فرصت خواهد داد که در مقابل برداشت منابع متصرفی ذخایر و مہمات و اسلحه روس ها را از دستشان بگیرند .

بنا بر این برای عقب نشینی و حرکت قوای روس تسهیلات مسکنه را حتی اندر فراموش نمیشودند .

کینه های بالشویکها و جنگلی ها در اترلی متفا کار میگردند و تعلیمات میدادند مقصود سده آنها هم جلوگیری از پیشرفت انگلیس بود .

بالشویکها خیال میکردند که انگلیسها مخصوصاً ذیباله چنگ را ادامه میدهند و جنگلی ها هم خوف آموار داشتند که بیجا پس از طرد اسارت روس ها انگلیسها جا جانشین آنها بشوند و علاوه آنها تحت تأثیر مرام «ایران مال ایرانیان است» عمل میکنند و هر دو دسته فریب خورده

نهضت جنگل

عقب نشینی صوری روسها اراضی ایران را تخلیه کنند و من موفق شدم تصفیه قضایای مهم جنگل را در وهمنان موفقی که لازم و ضروری بود بپدیه آنها را گذار نمایم پیچراخوف روز ۲۸ ماه مارس یعنی در همان روزیکه میرزا کوچک خان بدون هیچ مانع و ادنی خیال داشت قزوین را تحت تصرف قوای خود درآورد وارد شهر شد .

اگر آن روز میرزا کوچک خان موفقی تصرف قزوین شده بود در طهران بطور قطع بیرون جنگلی ها را بیخارج درآورد و روز بعد سرتاسر شمال ایران از تحت نفوذ ما خارج می گردید .

در مشرق زمین موفقیت و پیشرفت های کوچک خیلی اهمیت پیدا میکند و مانند سربق در مدت ثقلیل شکار میشود ببلایه جنگلی ها عده افاضه کابینه وزراء را بطرف فدای خود جلب و حاضر کرده بودند .

پیشرفت جنگلی ها تمامآعامه مردم را با بپواخواهی آنها جلب نمیشود و دوره انقلاب تجدید می شد . این نکته را نباید فراموش کنیم که پیچراخوف با اینکه فرزندیکه مداخله نداشت مملکت به تنهایی گریبان مملکت را از اوضاع فلاکت باز نجات داد .

من خیلی میل داشتم شخصاً با میرزا کوچک خان ملاقات بعمل آورده و واضح بباره ای مسائل با او مذاکره کنم ولیکن سال و آوانس ها آلمان جدا مانع پیشرفت این مقصود بودند .

عجالتاً من جدیت دارم زمینه ملاقات استوکی را با نمایندگان میرزا کوچک خان فراهم کنم احتمال قوی می رود بتوانیم با آنها کنار بیایم و تعیین موافقتی حاصل شود وقتی نشون و قوای مکتفی در تحت اختیار ما قرار میگیرد هر دو زمان و حربی زبان کار را از پیش ببریم .

میرزا کوچک خان شخصاً از طبقات بیست و پتراویکه شهرت دارد در مذهب خیلی متعصب است و از اعلاض هوش و عقل هم چندان میرز نیست .

بنیاده من میرزا کوچک خان از وطن پرستان حقیقی است و امثال او در ایران نادر و کمیاب است ولی مشورتاً باهم مانند همه وطن پرستان واقعی شرط مشی غلطی را پیش گرفته و نمی تواند تعقیب بدهد که دیگران او را آلت پیشرفت مقاصد خود فراداده اند تریب بیست نفر صاحبان آلمانی و عثمانی و روس اطراف او را گرفته اند .

میرزا کوچک خان معتقد است که این اشخاص در خدمت او هستند و برای پیشرفت مقاصد او کار میکنند غافل از اینکه آنها مقاصد او را شتی نبوده و بااصل کار او ضرر میرسانند و تمام جدیت و هوشان مسروف به پیشرفت اغراض و مقاصد خودشان میشود .

عجالتاً بشویکها قرائن کار نشان میدهند میرزا کوچک خان آفتور ها شخصی داده است که خودش را به نفع دیگران بینک برنگاه میبندد و دلیل برنگاه خودش را نگاه دارد و اگر وسیله فراهم میشد و من میتوانستم چند کلمه بگویم او بخواستار من میرزا کوچک خان از منوما قلمی نجات پیدا میکرد ...

در طی این سلسله جنگها از طرف انگلیسها و همچنین از طرف قوای جنگل

بیانیه هایی منتشر میشد و منظور این بود که هر یک از طرفین عمل دیگر را خشتی

وقایع بعد از کودتا

آلت تهریکات ماهرانه دیگران شده بودند .

میرزا کوچک خان میگفتند که پنج هزار سوار دارد احتمال می رود که این مقدار را هم داشته باشد ولی چه مقدار قوا توانست در میدان چنگ حاضر کند . راستداد قوای مذکور از چه قرار بود ؟ اینها ستولاتی است که جوابهای آنها حوادث آینده خواهد داد .

همچنین در صفحه ۲۸ کتاب نامبرده مینویسد :

در این موقع نهضت میرزا کوچک خان رو بسوسه گذاشته بود . عقب نشینی ما پر و بالی به آمال و آرزوهای او داده و حیثیتی در انتظار همه از این پیش آمد و بر روی گذاشت .

پرگرام عمل او در همان حالیکه با مقاصد و آرزوهای دموکراتهای واقعی و حقیقی و جدی موافقت پیدا کرده بود . با مقاصد سینه فرامل و عناصر بدی که فقط قصد قتل و هفارت داشتند مساعد شده بود در طبقات اعیان و ممتاز هم میرزا کوچک خان طرفدارانی پیدا کرده و عمال و آوانس های او در قزوین و همدان و سایر شهرستانها بنایت جدیت مشغول تبلیغ و کار بودند میرزا کوچک خان را در واقع نامی ایران دانسته و بین داشتند که قوای اجانب را از مملکت بیرون خواهد کرد و عظمت گذشته و دوره خلائی ایران را مسترد خواهد نمود .

علاوه بر همه اینها این نکته را نیز باید تذکر بدهم که در آن موقع روح بالشویزم در فضای عالم در پرواز بود و میکرب انقلاب را میان کلبه اقوام و ملل منتشر میسود بنابراین نیشده اطمینان حاصل کرد که ایران از سرایت این مرض محفوظ و در امان بماند تصور میرفت درسی را که کشور روس در موقع اقامت خود داده بود مانند تازیانه هربت در افکار و روحیات جامعه تاثیرات لازم را بخشیده باشد و اینک طولی نکشید بکنس آن انتظار عیناً مشاهده شد با شرایط موجوده و وضعیت اهر جهت مساعد چیزی که باقی مانده بود این بود که میرزا کوچک خان بیرون های فتح و قیروزی خود را بر فرار داشته بطرف قزوین پیشرفت کند و پس از تصرف آنها بتهران رفته مستقلاً حکومت افلاکی شود و امور کشیکول بدهد .

میرزا کوچک خان با داشتن سرکردگان با نفوذ و تمایل صوم آهالی اگر چنانچه در همان موقع اقدام کرده بود پیشرفت و موفقیتش کاملاً تامین بود . موعده عمل و اقدام هم وسیع بود لیکن اوضاع جوی مساعد نبود و وقتی که هوا مساعد شد و اوضاع هم گرفت که قوای خودش را بطرف مرکز حرکت بدهد ما ابتداء فورت و قدرت پیدا کرده بودیم که با او خطار کنیم (شصت مات) میرزا کوچک خان در عقب خود مساعدتهای عادی و معنوی آلمان و ترکهارا همراه داشت و از طرف دیگر توجهات کینه اتقاق و ترانی هم با او بود .

« در سر راه او مطلقاً مانعی وجود نداشت ولی موقع عمل را از دست داد و ایران نجات بافت ...»

همچنین در صفحه ۱۶۵ کتاب نامبرده مینویسد :

یکی از علل هغه پیشرفت ما این شده که قوای اجواب جمعی پیچراخوف توانستند در موقع

وقایع بعد از کودتا

نمایند و چون ژنرال دسترویل انگلیسی در کتابی که راجع باین وقایع نوشته است تهاقناشی رفته و هر چه خواسته در آن کتاب بنویس آنکه محاکمه تاریخی شده باشد ذکر کرده است که ما در این کتاب قسمتهایی از آنرا ذکر کرده ایم .

در این کتاب ژنرال دسترویل اینطور و آنطور کرده که میرزا کوچک خان و جنگلیها آلت دست آلمان و عثمانی بوده اند ما از نظر اینکه دفاع میرزا کوچک خان را در این مورد گفته باشیم عیناً متن یکی از بیانیه های جنگل که عین آن از روزنامه پرورش شماره ۲۰ مورخ ۲۶ آسفند ۱۳۲۲ درج شده نقل مینمائیم .

ما حق دفاع داریم

« هیچ با کسی نمیتواند کسی را که خانه و ناموس خود را حفظ می کند ملامت نماید دهن ضرر از حقوق مشروطه هر دی روحی است کسبیکه از خود دهن ضرر نکند . کسبیکه حق مشروع خود را حراست ننماید ، کسبیکه در دین و وطن و ملیت خود را حفظ ننماید ، بلاشبه بی دین و بی وجدان است سفسطه و اشتباهکاری دشمن ضعیف آزار مارا اگر چه همسببوست هستند ولی ما هم لزوماً توضیح واضح مینمائیم چراغدا کاری میکنیم چرا جوانان خود را بکشتن میدهم چرا سال است مشت های گوناگون را تحمل میکنیم .

چرا آسایش و زنده گانی راحت را پشت پا زده ایم ؟

آیا برای دولت آلمان و عثمانیست ؟

آیا برای بسط قدرت دیگران است ؟

زهی حق سوزی که چنین نسبت پیشرمانه را دشمن به ما میدهد پول صرفت از غیر و فسادشن طریقه اتخاص دلی و فر و ما به است آنهم منصوص بعضی از دبار برای امروزه ذیانت سعادت تمام نمایان گیلان مقدس تراز است که به چنین وفالنا تن دهنه بازم مقلات سابق خود را مکرر میکنیم که ملاحظه برای حفظ دیانت و شرافت خود قیام کرده ایم ما برای استقلال وطن نداس شویم برای آزادی و حریت ایران قربانی میدهم دشمنان برو اسلحه و پول و قریب دادن مردم نادان و بعضی از بی حیثیاتی که ترقیب مجلس شورای ملی در مملکت ایران بنارت و بیاض مشغول گشته می خواهند استقلال ما را معو کنند می خواهند قریب ما را با ببال نابسته در انفعال آیا ما حق دفاع نداریم ؟

آیا کسی ما را در این دفاع مقدس ملامت میکند ؟

آیا کسی ما را از این مبارزه حیاتی می خواهد کرد ؟ زهی بی انصافی تکلیف دشمن متجاوز است و افترا است که تا بدینوسیله ظلم خود را مستور سازند ولی اینگونه مسائل چیزی نیست که مستور بماند عملیات فدائیه این دشمن حقیقی ما را هر طفل غیر بالی هم لیبیده است انگلیس است که در ایران مداخله میکند و مداخله او سبب مداخله کردن دیگران شده است انگلیس است که میگردد

ایرانی با اصلاحات مشغول شده و استقلال خود را محکم نماید در اینصورت اشتباهکاری و باطلی او را روشی نخواهد بود هابری پاس حقوق این آب خالک برای حفظ منافع یاکان بزرگوار و بالاخره برای حفظ قوانین اسلامی تا آخرین سرحد دفاع کرده فدا می شویم. بقیه داریم که حراسان منصفی تصدیق خواهد بود که ما حق دفاع داریم» (هیئت اتحادیه اسلام)

چون در این سلسله جنگها برای انگلیس ها جز تلف کردن همات و تلفات افراد و خسستگی نتیجه دیگری نداشت جنگ با قوای جنگل را موافق مصلحت خود تشخیص داده در صدد آشتی برآمدند

همین منظور اکشوت رئیس بانگ شاهی و ویس قونسل رشت از جنگلی ها تقاضای ملاقات و متارکه جنگ را کرد. در این مورد یک سلسله نوشتجات و اسنادی بین طرفین مبادله گردید. انگلیس ها برای آنکه میرزا کوچک خان را متقاعد کرده باشند در نوشتجات خودشان تأکید و تصریح نموده اند که دولت انگلیس هیچگونه نظر ارضی و مقاصد نظامی در ایران نداشته و با اجازه دولت ایران برای جلوگیری از دشمنان خود (آلمان - عثمانی) بقیه میروند و در اولین فرصت خاک ایران را ترک و تخلیه خواهند کرد و چون موقعیت ایران از لحاظ فحطی و موقعیت جنگلیها از لحاظ کمی اسلحه و همات خوب نبود جنگلی ها جز اینکه با انگلیسها بطور شرافتمندانه ای کنار بیایند راه دیگری نداشتند لذا متارکه نامه ای در هشت ماده در قریه صفه سر «یک کیلومتری رشت» امضا شد.

متن این متارکه نامه در روزنامه پرورش شماره ۲۰ عیناً بجا چاپ رسیده و ما از نظر مزید اطلاع خوانندگان در اینجا هم نقل می نمایم.

بتاریخ دوازدهم ماه اگوست ۱۹۱۸ که مطابق با هفتم ذی القعدة الحرام ۱۳۳۶ می باشد آقایان کنتل مایوز رئیس قشون و جناب مستر مایر نماینده سیاسی انگلیس از طرف قشون انگلیس در شمال ایران برای اصلاح حاضر شده در باغ صفه سر با نمایندگان کمیته اتحاد اسلام که عبارت از آقای دکتر ابوالقاسم خان و آقای میرزا رضا خان میباشد داخل مذاکره شده بشرایط ذیل عقد ائتلاف بستند:

۱ - نمایندگان کمیته اتحاد اسلام متعهد می شوند که قوای مسلحه در راه تروین و ازلی که سرور راه عراق است و نزدیکی های آن نگاه ندارند
توضیح آنکه هرگاه قوای مسلحه دیگری سواي نظامیان انگلیس یا نظامیان دولت ایران هاد گیلان نو راه عراق باشند نمایندگان نظامیان انگلیس قبول می کنند که در جبال آباد

بودند که حکومت مرکزی را تقویت نمایند و نفوذ آنها در کلیه ایران بسط دهند و وجود میرزا کوچک خان یکی از موانع بزرگی بود که دولت انگلیس ناگزیر بود آنها را بطور موقر مرتفع سازد. بنابراین میرزا کوچک خان پیشنهاد کرد که تسلیم حکومت مرکزی شده او امر دولت تهران را اطاعت نماید اما با انقضاء قرارداد ۱۹۱۹ که هلیون ایران را بمخالفت با آن بر میانگذاخت میرزا کوچک خان و همراهانش محال بود اطاعت از چنین دولتی را بنمایند بعلاوه سران ملیون ایران هم از گوشه و کنار محرمانه بمیرزا کوچک خان پیغام میدادند که با دولت تهران مخالفت و با انگلیس ها نیز بجنگ مبادرت نمایند.

در این موقع انگلیس ها نامه ای بمیرزا کوچک خان می نویسند که یا تسلیم او امر و توفیق الدوله شدیدی در صورت عدم قبول و مسائل راحتی او را انگلیس ها در عراق عرب فراهم نموده بدانجا مهاجرت نمایند.

اینک متن نامه انگلیسها

آقای میرزا کوچک خان

در ماه اوت ۱۹۱۸ در وقتی که دشمنان ما عثمانیها بدون جهت خاک ایران را محتل ساخت و تاز خود فراز میدادند کارگزاران نظامی انگلیس که بملاحظه منافع ایران و غرضان مشغول حفظ خاک گیلان از این ناخوش و تاز بودند با شما که میرزا کوچک خان میباشد و نمایندگان هیئت اتحاد اسلام برای موافقت فیما بین خودشان و قشون ما برای جلوگیری از خصم قراردادی مشتبه بودند.

مقصود از این قرارداد بطوریکه در فوق ذکر شد حفظ ایران از ناخوش و تاز بود که حفظ رعایای پایلی ایران از پادشاه و دولت آنها و قرارداد مذکور را چندین باصداقت مراعات نموده ولی بالاخره کار را معلول آنها کشی نموده اید بدین جهت کارگزاران انگلیس حال خانه آنها را اعلام میدارند.

تا بیا بر کارگزاران دولت انگلیس مشهود است که قصد شما نسبت بدولت خودتان مشغول و برخلاف صداقت است و اگر چه نمایندگان ما کار را با شما تأکید نموده و نصیحت داده اند که با دولت کنار بیایید و شروط پیشنهاد شده بنظر ما عادلانه بوده و شما هم اطلاع داده شد همینچنین صلاح دیده اید که به مصالح دوستانه ما اعتنا ننمایید و بسببک شما نسبت بدولت خودتان اثری نه بقیه شده است.

بنابراین محض اینکه راه غدیری و سوء تفاهمی نموده باشد چنین مناسب میدانم که توضیح صادقانه واضحی از وضع کار بدم چون قصد دولت انگلیس نسبت بسببک شما کاملاً دوستانه و

آنها را نگاه داشته تا کمیته اتحاد اسلام از مقاصد آنها مستعظرن شده دوسورتی که بر علیه آنها هستند حق دارند که در همان راه با توفه مسلحه ممانعت نمایند.

۲ - نمایندگان اتحاد اسلام متعهد می شوند که صاحبان خارج را اخراج نموده و از دولت هاییکه با دولت انگلیس در حال جنگند صاحب منصب استخدام نمایند.

۳ - نمایندگان کمیته اتحاد اسلام متعهد می شوند تهیه خوراک لازمه برای قوه موجوده انگلیس در گیلان بنمایند و نمایندگان نظامی انگلیس هم متقبل می شوند که افراد مسلحه و غیره مسلحه برای جمع آوری آذوقه بصلحه گیلان اعزام ندارند.

۴ - نمایندگان اتحاد اسلام متعهد می شوند که اسرای دولت انگلیس را که عبارت از کاپیتان تولی و یونیون موریس و کنتل شامالوف و کاپیتان استریک و صمصام الکتاب می باشند رد کرده اسرای کمیته اتحاد اسلام را در هر نقطه ای هست تعویب بگیرند.

۵ - نمایندگان قشون انگلیس متعهد می شوند که در داخل ایران مداخله ننمایند مگر در صورتیکه ایرانی ها با دشمنان انگلیس مساعدت کرده بر ضد انگلیس قیام نمایند.

۶ - نمایندگان قشون انگلیس قول دادند که هیچ وجه در مقاصد کمیته اتحاد اسلام مادی که مربوط به پیش بردن منافع دشمنان انگلیس نیست خدمت ننمایند.

۷ - از اعمالی که دولت خود را برای حفظ خود ساکنی موقتاً انتخاب نمایند تا حکومت ایران نماینده خود را بفرستد.

۸ - نمایندگان طرفین متعهد می شوند که قوای مسلحه آنها هیچوجه داخل شهر نشوند.

محل امضاء
کنتل مایوز رئیس قشون

محل امضاء مستر مایر نماینده سیاسی انگلیس - محل امضاء نمایندگان هیئت اتحاد اسلام گیلان دکتر ابوالقاسم خان - میرزا رضا خان ۲۲ برج اسد دوازدهم ذی قعدة بوقت اول ۱۳۳۶

هنگامیکه بین میرزا کوچک خان و قوای انگلیس هنوز متارکه نشده بود و جنگ ادامه داشت دولت تهران برای اینکه از قوای میرزا کوچک خان بوسیله شمشت و تفرقه کاسته باشد سید محمد تدین را که سابقاً آشنائی با امیر عشاری بر خلخال داشت

بر رشت روانه نمود تا با او وارد مذاکره شده و او را از اتحاد و همکاری با میرزا کوچک خان منصرف نماید. تدین در این زمینه تا اندازه ای موفقیت نصیبش شده

مدتی بین قوای جنگل و ارتش انگلیس صلح برقرار بود و انگلیسها بلا مانع طبق شرایط منتهقه میتوانستند از خلخال رشت بطرف باد کوبه رفت و آمد نمایند.

در خلال این احوال حکومت و توفیق الدوله روی کار آمد و چیزی نگذشت که قرارداد معروف اوت ۱۹۱۹ بین دولت ایران و دولت انگلستان منتهقد شد انگلیس ها هایل

مساعده میباید ملتفت خواهیم بود که برای کارگزاران دولت انگلیس غیر مسکن است با رعایای ایران که عدم اطاعت و اطمینان از آنها نسبت بدولت پادشاه مشاهده میشود حفظ دوستی خود را بنمایند. دولت انگلیس در گوشش برای اصلاحات ادارات ایران و اعاده نظم با دولت مشارالیها مشارکت دارد بنابراین اگر شما در سببک حالیه خودتان اصرار ورزید نه فقط دوستی کارگزاران انگلیس را از دست خواهید داد بلکه باید منتظر باشید که اینها برای تریب امور گیلان با دولت ایران همراهی نمایند.

ولی نظر بر روابط درستی که سابقاً تیره این بوده است چنین مناسب میدانم که یکدفعه دیگر شما بصیحت مشتاقانه ما تم و تأکید کنیم که با دولت ایران کنار بیایید میتوانستید بنسبی جمله ما مطمئن باشید که بگذاریم شما صدمه وارد آید و بشما و همراهان شما از روی توجه رفتار شود در صورتیکه نتوانید خود را وادار با اطاعت دولت خودتان بنمایید پس اگر وطنخواه با دیانت هستید از ایران خارج شوید تا وقت تغییر کند حوائصورت ما حاضر هستیم که شما در بین انهرین پناه داده و با شما آبرومندان و رفتار کنیم و حوائجا میترانید از مشاهده ترقیاتی که در تحت دلاوت مشتاقانه دولت انگلیس حاصل شده است استفاده نمایند.

امید و اوق حاصل است که بملاحظه مصالح خودتان و نظر بفرایده قانون و نظم یکی از ایندو نفر را قبول نمایید اگر بیکس بدینجمله از اندرز دوستانه ما تغافل نماید آنوقت اگر وضع ما نسبت بشما تغییر نلورن نایب باید ما را مورد اتهام آن قرار دهید لازم است جواب این مکتوب را کتباً در ظرف پنج روز پنجشنبه ۱۳ حمل که مطابق با دوم و چهارم است بدهید و اگر ندر ظرف مدت جواب نرسد همچو خواهیم دانست که نصیحت ما قبول نشده است (۱).

«از طرف کاپیتان و یکم رئیس اداره سیاسی»

میرزا کوچک خان تسلیم اولتیماتوم انگلیس ها نشد و بالاخره کار بجنگ منتهی گردید. قوای فزائی ایرانی در تحت فرماندهی کمنل استاز و سلسکی بطرف رشت حرکت کرد عده قوای انگلیس نیز بطرف فداری قوای فزائی از فزورین بطرف رشت حرکت کرد

و توفیق الدوله برای یکسره کردن کار جنگل متوسل بمساعدت الدوله پسر سپهسالار شد که از تشکاب عده قوایی تهیه کرده بجنگل حمله نماید اما قوای مساعدت الدوله در مقابل دکتر حشمت که فرماندهی قسمتی از قوای جنگل را داشت نتوانست بیاوردی

کننده قوای مساعدت الدوله سخت شکست خورد در خلال این احوال نفوذ انقلابیون روسیه مستقر گردید و در داخله آنکشور موفقیت هائی نصیب ارتش سرخ شد

۱ - روابرت این سنه بوسیله آقای مظفر زاده که یکی از احرار جنگل بوده و نماینده منظم گیلان «دوره چهاردهم» میباشد گرفته شده است.

دیر یا زود قفقازیه بتصرف آنان درمی آمد و با سرحدات شمالی ایران تماس حاصل مینمودند. بنابراین انگلیس ها و حکومت و توفیق الدوله این حوادث را پیش بینی نموده و بی برده بودند که قوای جنگل اگر هم مشهور و با پوشیده شود سران آن پس از چندی دوباره گرد هم جمع شده ایجاد بیرونی خواهند کرده بهترین راهی که آنها را به هدف نزدیکه میکرد این بود که با میرزا کوچک خان کنار آمده یک طوری او را راضی نمایند. لذا توفیق الدوله عده ای را از طرف خود بجنگل اعزام نمود و به میرزا کوچک خان تکلیف کرد در صورتی که اطاعت او امر مرکز را بشمارد با مافراهانی گیلان و سواحل بحر خزر را بار و اگذار خواهند کرد. میرزا کوچک خان نتوانست در این موقع با دولت کنار بیاید و پیغام داده بود که من با دولت های دست نشانده اجنبی کار نخواهم کرد جنگ از چند جنبه آغاز گردید و عده زیادی تلفات بطرفین وارد شد بد کتر حشمت که از فرماندهان قوای نظامی جنگل بود در قلعه گسردن تنگابن محصور شد و در مقابل قوای قزاق هم چنان پایداری مینمود و در تیسرتیکله جنگوف بفر خدمه برآمد و بد کتر حشمت پیشنهاد ماز که و تسلیم نمود با اینکه تا مین جانی و اطمینان بد کتر حشمت و افراد او داده شده بود مهذب او را تحت نظر گرفته برشت آوردند و آنجا پس از یک جلسه محاکمه او را بار اویختند قوای جنگل نیز مشهور گردید. میرزا کوچک خان با عده ای بجنگل عقب نشینی کردند در خلال این احوال حکومت آذربایجان قفقاز سقوط کرد و سفاین جنگی انقلابیون روسیه بسواحل انزلی نزدیکه شده با صدای چند شلیک توپ اوضاع گیلان را دگرگون و قوای پراکنده جنگل نیز از نو گرد هم آمده قوام گرفتند

پناه روسها برای پیاده شدن بسواحل ایران این بود که چون عده ای از سفاین روسیه بسواحل ایران پناهنده شده زیر نظر قوای انگلیس قرار گرفته است برای استرداد آنها آمده اند و دیگر اینکه قوای روسیه انقلابی میگفتند بیه شناسیت قوای انگلیس که در قفقاز کمک بدشمنان ما کردند و ما با آنها زدو خورد کرده ایم و فعلاً هم از قوای دشمنان ما حمایت و پشتیبانی مینمایند این قوا برای تحلیه

نفوذ انگلیس بسواحل ایران آمده است *

اوضاع گیلان با ورود قوای ارتش سرخ دگرگون گردید و انقلابیون گیلان نیز درود این قوا را بسواحل ایران منتقم شمرده چنان که گفتیم مجدداً دور هم جمع شده حکومت جمهوری را در پشت اعلام و نفوذ خود را در آن خطه بسط دادند ارتش سرخ پس از پیاده شدن بسواحل ایران با میرزا کوچک خان در کشنی کورسک در مرداب انزلی شفاهاً قراردادی بسته و از آن تا اندازه ای حمایت کردند.

نکته قابل توجه این است که کلیه کاپینه های ایران عملیات جنگل و اقدامات میرزا کوچک خان را تا کاپینه سلف خود بجا و بمورد دانسته و حتی بر سبب شناخته و مدارک و اسنادی هم در این مورد زیاد دیده شده که اینک برای مزید اطلاع خوانندگان بدرج دو سند میبرداریم *

کاپینه و توفیق الدوله خواست که با جنگلها کنار بیاید کسانی را مأمور کرده بود که با میرزا کوچک خان وارد مذاکره شوند از جمله میرزا احمد خان آذری کبیل حکومت رشت چند ماهی در رشت توقف نمود و چون مذاکراتش بجائی نرسید و از طرفی و توفیق الدوله هم تصمیم گرفت که او را بواسطه عدم موفقیت از گیلان احضار نماید آذری متوجه شده در صدد برآمد که بر مرکز آقاه شبهه نموده اینطور وانمود کند که میرزا کوچک خان اظهار اطاعت و انقیاد بدوات کرده است *

لذا تلگراف ساخسکی که حاکی از اظهار اطاعت میرزا کوچک خان بوده از طرف مشاایبه بو توفیق الدوله مخبره مینماید و توفیق الدوله چون از جریان فضا باخبر نداشت تصور این که میرزا کوچک خان تسلیم شده است تلگرافی به مشاایبه مینماید اینک متن این دو تلگراف را با این که یکی از آنها ساخسکی است بنظر خوانندگان می رسانیم *

رو نوشت متن تلگراف میرزا کوچک خان بو توفیق الدوله

حضرت مبارک بدگان مستطاب اشرف اعظم آقای و توفیق الدوله رئیس الوزرا سلطنت ایران دامت شوهکته العالی

دو این مواقع که حضرت اجل میرزا احمد خان آذری کبیل محترم ابالت گیلان ابلاغ اوامر مطاعه و نیات مقدسه بدگان حضرت اشرف دامت عظمته را باین جمعیت فرمودند بقام حضرت

نخست جنگل

آمد خاطر مقصد را مستحضر میدارد این جمیت از چندین سال با بنظر طرفه با فدا کارها و جان فشانی های فوق العاده که تحمل شده اند بپیر از خدمت گذاری پناه وطن و حفظ استقلال ملک و رفاهیت و آسایش عامه بپیچ اقدامی مبادرت نورزیده همیشه آرزو مند قدرت و سلطنت اولیای دولت بودند ولی متأسفانه بعضی اذخا صر مشرف این نیات پاک جمیت را در حضور مبارک سوه تفسیر نموده و بد بختانه موفقی بیاید پاک نوع سوه تقاضی گشته فدیویان را ترمرد و مثل آسایش مکت فلد ادم نموده و بالاخره باعث مه خسارت و غرور بزی گشتند فر تمام این مراحل بازم جمیت پیچیده آمد مخاصمه نشانده دو مقابل قشون دولتی همیشه راه دفاع و پیش گرفته فر این موقع که جمیت مخاصمه مقدسه بدگان حضرت اشرف و برای حفظ قربیت و شرافت سلطنت تصدیق می نماید با کمال انتظار و صببیت بحدود مقصدس اطمینان کامل میدهم که چاکر و تمام افراد جمیت از این تاریخ کاملاً مطیع اوامر دولت معظم خود بوده و بکلی ترک مخاصمه نموده ایم و بپیچوجه تواجرای اوامر مطاعه و در جان فشانی و خدمت گذاری سلطنت فصور نخواهیم ورزید صوم جمیت از طرف ترین اشرف امیدوار بپرام عالی بود و یقین دارم که در سایه مکارم و افتخار آینه شرافت آنها کاملاً تأمین خواهد شد *

کوچک *

تلگراف و توفیق الدوله به میرزا کوچک خان

توسط جناب اجل آقای میرزا احمد خان کبیل جنگو مت گیلان زنده اقبانه *

جناب آقای میرزا کوچک خان زنده اقبانه تلگرافی که بعد از ابلاغ مقام بدولت و ترک مخاصمه توسط آقای کبیل حکومت مغایزه نموده بودید و اصل گردید با پیچ بیانی نمیتوانم از این پیش آمد سرت قلبی خود را اظهار نمایم زیرا مناقشات اخلاقی که موجب این معجزت و بد بختی شده بیصافه مرتفع گردید باید بشنا خود تبریک بگویم که مشامی و احتیانات من در رفح این بد بختی که هر دفته دوام آن متنبین شرج جمدی برای مکت بود مؤثر واقع شده و شامم با حسن نیت و صببیت مقاصد غیر خواهانه دولت را استقبال نموده ایم لازم میباید جناب عالی را مستحضر نمایم که هیچ وقت این جانب مایل نبودم این مناقشات و اختلافات دوام پیدا کند بلکه بحسن ظن و اطالایی که بوطن خواهی و صببیت شایسته کرده بودم بچوا شتم حقیقت را بر جناب عالی مکشرف نموده بنگارم قوای اخلاقی و فکری و مدای خودتان را بپیچوه صرف نشانیه عملیات جناب عالی که در موقع برای رفح خطر از سلطنت بوقع و مفیه بود در موقع دیگر با لکسی جز خزای و خسارت و غرور بزی نتیجه ای نداشت و تلفات امروا و اشخاص از هر طرف بتبصیح پیچوده مال و جان فرزندان سلطنت بود پس باید تمام عاقل و خلاقند سلطنت مصلحت را تشخیص داده هیچ وقت نگذارند نیت خالص و وجدان پاک آنها با شتاب و اغراض فسدین آرایش پیدا کند این جانب همان طور که بوسیله آقای کبیل حکومت در ضمن ابلاغ مقاصد دولت نوشته ام با جناب عالی نظر مسامحه داشته طوره مرزای و مسامعت خواهام نرد و امیدوارم حلاکه خودتان حقیقت را دانسته و تظفریس خبر و ملاح سلطنت را داده اید دولت هم از احساسات وطن پرستانه و غیرت و عصبیت ملی شما استفاده نموده اتحاد صدمت نتیجه مطابقه خود را که سمدت سلطنت و آسایش اهالی است بصد البته در باب اجرای شرایط بطوری که بلای کبیل حکومت تراز داده اید زودتر تشکیل کمیسیون نموده برای تفرقه جمیت و تسلیم اسامه و سن تکلیف افراد اقدامات خواهند نمود (توفیق الدوله ریاست ورز)



عکس کتاب قابل رویت نبود و این بجایش آمد

جنگلی ها همیشه فهمیدند میرزا احمد خان آذری کفیل حکومت رشک
تلگرافی از طرف آنها بدولت مخابره نموده و بواسطه یارهای چربانهای دیگر نسبت به
وی بدگمان شده ادرا گرفته و در جنگل محبوس نمودند .

حکومت وثوق الدوله چنانکه شرح آن در کتاب دزد گانی سیاسی سلطان احمد
شاه قاجار آمده سقوط کرد و کابینه مشیرالدوله بطور مسالمت با میرزا کوچک خان
وارد مذاکره شد کابینه مشیرالمرهم چنانکه در این کتاب دیدیم ساقط شد و کابینه
سپهدار و سپس کابینه سیاه هریک بعد از دیگری روی کار آمدند و اوضاع گیلان
همچنان بحال خود باقی بود تا کابینه قوام السلطنه که در آخرین روزهای عمر خود به
وقایع گیلان شامه داد .

میرزا کوچک خان شخصاً آدم وطن پرست مذهبی و درستی بوده و زمانی که
زمان امور قسمت‌هایی از گیلان در دستش بوده بطور عدالت و مسالمت با مردم رفتار
میکرده و هرگز تعدی و اجحافی از طرف شخص او نسبت باشخاص نمیشده است .
تا آنجائیکه میتوان قضاوت کرد رویهمرفته قیام جنگل منافع و مضاری برای
ایران داشته است ولی بتصور من منافع قیام جنگل بیش از مضار آن بوده است لکن
حدی هم در حفظ استقلال ایران دخالت داشته است . راجع به جنگل بیش از اینها میتوان
چیز نوشت ولی چون طبق اطلاعی که نگارنده این کتاب دارد اخیراً آقای مدنی مدیر
روزنامه پرورش و جمعی دیگر از احرار سابق جنگل در سددند که راجع به این
وقایع کتاب جامعی نالیف نمایند بیش از این راجع به جنگل چیزی ننویسیم و با کتاب
محتول می‌کنیم .